



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه	:	میری، سیدعلی‌رضا، ۱۳۵۴ -
عنوان و نام پدیدآور	:	زندگی انبیاء و اولیای خداوند / مولف سیدعلی‌رضا میری.
مشخصات نشر	:	تهران: سنجش و دانش، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	:	۲۱۰ ص.
شابک	:	978-600-469-530-5
وضعیت فهرست نویسی	:	فیها
موضوع	:	پیامبران
موضوع	:	Prophets
موضوع	:	اولیا
موضوع	:	Muslim saints
رده رتبه‌بندی کنگره	:	۱۳۹۶ م/۹۹۹ BP۸۸۷
بندی دیویی	:	۲۹۷/۱۵۴
شماره کتابچه	:	۵۱۲۸۲۰۰

زندگی انبیاء و اولیای خداوند

سید علی رضا میری
انتشارات سنجش و دانش
۵۰ نسخه
اول، ۱۳۹۶
۵-۵۳-۴۶۹-۶۰۰-۹۷۸

مؤلف:
ناشر:
تیراژ:
نوبت چاپ:
شابک:

آدرس: خ دانشگاه - تقاطع روانمهر - ساختمان سنجش و دانش پ ۱۲۶

۱۸۰۰۰ تومان

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر محفوظ می باشد.

فهرست مطالب

۷	زندگی انبیاء و اولیای خداوند
۹	حضرت نوح (ع)
۱۱	حضرت سام (ع)
۱۲	حضرت یوحنا (ع)
۱۴	حضرت یوزاسیف (ع)
۲۳	حضرت یوشب (ع)
۲۴	حضرت ابراهیم (ع)
۶۴	حضرت اسماعیل (ع)
۶۶	حضرت اسحاق (ع)
۶۸	حضرت یعقوب (ع) و حضرت یوسف (ع)
۹۴	حضرت اویس (ع)
۹۶	حضرت ارمیا (ع)
۱۰۱	حضرت شعیب (ع)
۱۰۸	حضرت موسی (ع)
۱۶۳	حضرت طالوت
۱۶۹	حضرت داوود (ع)
۱۷۹	حضرت سلیمان (ع)
۱۸۶	حضرت یونس (ع)
۱۹۳	حضرت الیاس (ع)
۲۰۰	حضرت صالح (ع)

به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین

ای برادر تو همان اندیشه ای
ما بقی خود استخوان و ریشه ای
گر بود اندیشه ات گل گلشنی
ور بود خاری و تو هیمنه گلخنی^۱

(مولانا)

هر آنکس که دانش برد توشه ای
جهانیست بنشسته در گوشه ای^۲

(ابن یمین)

زندگی انبیاء و اولیای خداوند

روز و روزگاری بود به غیر خدا هیچکس نبود که خداوند اراده فرمود که موجوداتی خلق کند و همچنین اشیائی را از نور و از سرور و از آتش و خاک و آب خلق کند و خداوند اول از همه آب را بوجود آورد و به آب فرمان داد که سرور را آفرینم و همه اشیاء را از آب بوجود می آورم و به آب فرمان داده شد که پیشای و مترکم شو که می خواهم که از در آسمانهای هفت گانه و زمین های هفتگانه را خلق کنم و آسمانها و زمینهای هفتگانه را خلق نمودم و آنگاه از نور خودم پیامبر آخر الزمان را خلق نمودم و آنگاه از همان نور علی و فاطمه (ع) را خلق کردم و از باقی مانده همان نور انبیاء و اولیاء را خلق نمودم و بعد هم دنیا و آخرت را خلق کردم و آنگاه از همان نور که کمتر از آن بود ملائکه را خلق کردم و آنگاه به آب فرمان دادم،

قطره های کز جویباری می رود
وز پی انجام کاری می رود^۳

(پروین اعتصامی)

^۱ مولانا

^۲ ابن یمین

^۳ پروین اعتصامی

که به دو نیم شو، قسمتی از آن شیرین و اکثریت آن شور، از آب شیرین انواع میوه‌ها را آفریدم و انواع حیوانات حلال گوشت را انواع حیوانات زمینی و حیواناتی مانند پرنده‌های هوایی و آنگاه از آب شور انواع حیوانات حرام گوشت اقیانوس و دریا را خلق نمودم و از آب شیرین چشمه‌ها و برکه‌ها را و آنگاه که درختان و گیاهان را از آن آب شیرین بوجود آمد بعد از آن آتش را آفریدم و از آتش جن آفریدم. در همان زمان ملائکه و جن عبادت من می‌کردند و آنگاه از خاک گلی متعفن خلق کردم و آب شیرین و شور را بر هم زدم و مخلوط شد و بعد آن آبها را با آن خاک مخلوط کردم و آدم را خلق کردم و آنگاه از روح آدم در او دمیدم و گفتم که آدم شو و آدم (ع) را آفریدم و از باقی مانده همان آب و گل حوا را آفریدم. به آنها گفتم که همه آنچه می‌بینید برای شما خلق کردم و شما را برای خودم آفریدم و به آنها فرمان داد که بر سر در بهشت زندگی کنید اما مواظب باشید که از این درخت ممنوعه نخورید و به ملائکه و جن فرمود که بر آدم سجده کنید، همه ملائکه سجده کردند جز ابلیس که گفت خداوند مرا از آتش آفریدی اما از خاک، خداوند فرمود که آدم را با دست خود آفریدم ابلیس گفت که اگر که من سجده نکنم خداوند مرا بهشت بخشد یا به عذاب من ببرد؟

خداوند فرمود که من عبادت کن نمی‌خواهم من می‌خواهم که اطاعتم کنند و شیطان از فرمان خداوند سرپیچی کرد و هر کسی و هر نوع که از بنی بشر خداوند را اطاعت و بندگی نکنند از اولیاء شیطان هستند بدینسان که من که خداوند شما هستم همه جهان هستی را خلق کردم برای شما بنی بشر و شما را برای خودم خلق کردم تا اینکه اطاعت و بندگی من کنید و هر کسی که از اطاعت خداوند سرپیچی کند زندگی سخت و دشواری خواهد داشت.

بدینسان بر بشر انبیاء را با کتاب فرستادم تا اینکه کسی حجتی نداشته باشد که خداوند مرا بیهوده خلق کرده است و وقتی که مشکلات دنیا و آخرت بر او مسلط شد و زندگی را مشکل و توأم با سختیهای فراوان بسر بردند. و در دم مرگ که برای هر کسی زمانی معین کرده‌ام که در دنیا زندگی

کنند و آنگاه که با باجل معلق و یا با اجل مسمی زندگی دنیا را ترک کرد و بذار باقی شتافت، نگوید که کسی بما نگفت که حاکم مطلق خداوند بود، ولی ما نمی دانستیم.

حضرت نوح (ع)

خداوند عظیم اولین پیامبری که بر نوع بشر فرستاد که مردم را بسوی خداوند دعوت کند که به سعادت دنیا و آخرت نائل شود نوح نبی الله (ع) بود.

خداوند تبارک و تعالی به حضرت نوح (ع) فرمان داد که بر و بسوی بندگان من و به آنها بگو که شما آفریدگار توانا دارید که باید فقط از آن فرمان ببرید و اگر از فرمان خداوند سرپیچی کنید منتظر عذابی سخت سید و به پیغمبر اولی العزم خود فرموده که به بندگان من بگو که شیطان دشمن شما و آن دشمن آشکار است برای شما، او از اینکه رانده شده درگاه خداوند است جز لعنت شدگان است و شما نوع بشر را هم می خرد مثل خودش گمراه کند و شما را به نافرمانی خداوند دعوت می کند و شما نمی دانید که با او چگونه مبارزه کنید چون اینکه علم آنرا ندارید او شما را به معصیت پروردگار دعوت می کند از او فرمان نبرید از حق فرس ببرید که پروردگار شما هستیم.

همه شما به من محتاج هستید و آخر و عاقبت همه شما ، من است پس فرمان پیغمبر (ع) خدا را گوش کنید و هر چه که فرمان می دهد اطاعت کنید که پاسبان خدا خیر خواه شما هست و شما را از ظلمات بسوی نور هدایت می کند تا اینکه به رستگاری بزرگی نائل شوید این پیامبر به شما زمان می دهد که اوقات خود را تقسیم کنید و در بیست و چهار ساعت روز، که ساعتی را برای طاعت و بندگی خداوند، مقداری را برای کار و کوشش و ساعاتی را هم برای زن و فرزانتان و دیگر اموری که شما نیازمند آن هستید و ساعت باقی مانده را برای خواب و استراحت سپری کنید تا اینکه در این دنیا عمر شما با برکت شود و از حاصل عمر خود نتیجه بگیرید و در آن رضای پروردگار را بجوئید و هر چه که خداوند خلق کرده برای شما خلق کرده و با دعا به درگاه او که بی نیاز مطلق است از

خداوند بخواهید که خداوند از فضل و کرمش به شما می‌دهد چون اینکه هیچ موجودی در هستی موثر نیست جز خداوند.

این پیامبران و حی که از جانب خداوند سخن می‌گویند و فرمان می‌دهند که نماز بخوانید تا اینکه به خداوند نزدیک شوید، این پیامبر الهی بشما دستور می‌دهد که خداوند را شکر کنید که خدا وجود شما را از عدم خلق کرد و با تمام امکاناتی که مورد نیاز شما بود به شما داد، مانند وجود یک انسان که شامل دست، پا، چشم، گوش، حلق، بینی و دیگر وجود خودتان که می‌دانید که چیست و پیامبران خدا مردم را از خواب غفلت بیدار می‌کنند و حضرت نوح (ع) که حدود هزار سال به تبلیغ دین خدا مشغول بود و هر چه که بیشتر مردم را به خدا دعوت می‌کرد کمتر نتیجه می‌گرفت این پیامبر بزرگ خداوند اینقدر در راه تبلیغ حق کوشش می‌کرد و با توهین و مسخره کردن مردم روبرو می‌شد و صبر می‌کرد حتی روزی که در خانه نشسته بود پیر مردی با فرزند جوانش به دیدن حضرت نوح (ع) آمدند پیر مرد چوب دستی داشت که با آن راه می‌رفت فرزندش به او گفت که پدر چوب دستی خود را به من بده و گرفت و شروع کرد بزدر پیغمبر خدا تا جائیکه آن پیامبر به حالت بیهوشی بزمین افتاد ولی دست از مبارزه با شیطان انسی برنداشت.

آن پیامبر خدا چنان در راه حق بجان آمده بود که حتی فرزند آن حضرت هم به ندای آن پیغمبر عظیم‌الشان گوش نمی‌دادند تا جائیکه خداوند فرمود که با کشتی بساز و مومنینی را که به تو ایمان دارند در کشتی سوار کن و منتظر باش تا اینکه فرمان ما برسد زمین که دیدی که تنور فوران کرد بدان که عذاب بر آن دیار آغاز شده است و در آن کشتی علاوه بر مومنینی که همراه خودت سوار شدند از هر حیوانی نیز دو عدد از نر و ماده سوار کن تا اینکه آن کشتی براه خود ادامه دهد تا جائیکه خداوند بخواهد بایستد وقتی که حضرت نوح کشتی می‌ساخت و افرادی از آن کافران از کنار کشتی می‌گذشتند حضرت نوح (ع) را مسخره می‌کردند و می‌گفتند که در جایی کشتی می‌سازد که آب نیست و آن پیغمبر خدا صبر و تحمل می‌کرد تا اینکه روز موعود فرا رسید و تنور در همان

محل بود که از درون آن فوران آب شروع شد و به فرمان خداوند از زمین و آسمان آب چون سیلاب به حرکت در آمد تا جائیکه هر چه بود و نبود در آب غرق شد و یکی از فرزندان حضرت نوح (ع) که می‌رفت به بالای کوه که بخیال خودش آب آنجا را فرا نمی‌گیرد.

حضرت نوح (ع) بفرزندش گفت که بیا فرزندم سوار کشتی شو که این سیل بنیان کن است که هر امکانی را برای نجات کفار سلب کرده بود و همه به عذاب سخت مبتلا شدند و همه را نابود کرد و هیچ نشانی از آن دیار کفرنشین باقی نماند و حضرت نوح (ع) و تمام کسانی که با آن کشتی سوار شده بودند همه نجات پیدا کردند و خداوند آن کشتی را بر کوه جودی لنگر انداخت و آنها به زندگی خود ادامه دادند تا آنکه پس از هزار سال که از دعوت مردم بسوی خداوند می‌گذشت و تعداد انگشت شماری از مومنین به حضرت روح (ع) ایمان آوردند تا اینکه عمر حضرت نوح (ع) به پایان رسید و دعوت حق را لبیک گفت و جان آفرین تسلیم کرد.

حضرت سام (ع)

و مردم به زاد و ولد خود ادامه دادند و بعد از آن از سلطان عده کثیری از مردم را گمراه کرد تا آنگاه خداوند پیغمبر دیگری برای هدایت مردم فرستاد و آن پیامبر حضرت سام بود که بعد از حضرت نوح (ع) مردم را دعوت به خدا پرستی می‌کرد و از آن تعداد قلیلی از آن پیامبر طی سال‌های متمادی به خدا ایمان آوردند. آن پیامبر الهی در آن سرزمینی که زندگی می‌کرد مردم را به عدل و احسان دعوت می‌کرد و مردم را از عذاب می‌ترساند و به آنها بشارت می‌داد که طاعت و بندگی خداوند شما را از جهل و ظلمت نجات می‌دهد.

هر چه که آن پیامبر خدا می‌گفت گوش شنوائی نبود و هر چه پیغمبر از طرف خدای رحمان و رحیم می‌گفت شیطان آنها را باطل می‌کرد و می‌گفت که این که شما را دعوت به رستگاری می‌کند منظورش اینست که شماها مطیع آن شوید و هر چه که دارید به او بدهید و شما را از کار و کوشش باز می‌دارد و شما را فقیر می‌کند مگر نمی‌بینید که خود او چگونه لباس می‌پوشد و از آنچه که شما

استفاده می‌کنید استفاده می‌کند، می‌خواهد که هر چه دارید به او بدهید و با این خرافات مردم را گمراه می‌کرد و آنها را دعوت به گناه و معصیت می‌کرد که شما به او نکتید و هر کاری که می‌خواهید بکنید، ظلم کنید، احجاف کنید، حق دیگری را نادیده بگیرید، هر کس زور بیشتر دارد به دیگران تعدی و تجاوز کند، هر کار زشت و قبیح را در فکر و اندیشه آنها خوب جلوه می‌داد و جز اینکه همه با اکثریت را به جهنم واصل می‌کرد کاری دیگری نداشت.

همیشه در تاریخ بشر هر چه که انبیاء خداوند مردم را به خیر و نیکی دعوت می‌کردند ابلیس آنها را به نافرمانی خدا و دعوت می‌کرد تا اینکه عمر این پیامبر هم پایان می‌رسید و به لقاء الله می‌پیوست در صورتیکه همه قایلی ایمان آورده بودند.

حضرت یوحنا (ع)

بدین سان سال‌ها گذشت و بشریت مردم در جهل و گمراهی زندگی می‌کردند تا اینکه خداوند مهربان و بخشنده پیامبر دیگری از میان انسانان در سم به رسالت مبعوث کرد و آن پیامبر خدا بود تا مش یوحنا (ع) بود و او رسالت حضرت نوح (ع) و پیغمبر بعد از او تبلیغ می‌کرد و به مردم می‌گفت جز خدا را نپرستید و مردم را از شرک و بت پرستی بر حذر می‌داشت و مردم به سخنان آن پیامبر هم گوش نمی‌کردند و به شرک و بت پرستی خود ادامه می‌دادند و هر چند که تبلیغات در آن مردم اثر نمی‌کرد ولی گروه اندکی به آن ایمان آوردند و آن پیامبر آنها را بشارت می‌داد که خداوند رحمان و رحیم است و شما را دوست دارد شما چرا بغیر خداوند که خالق آسمان و زمین است خدا را دیگری را معبود خود قرار داده‌اید آنها بی‌اعتنایی می‌کردند تا اینکه آن پیامبر بر آنها هشدار می‌داد و آنها را از عذاب دنیا و آخرت می‌ترساند و آنها توجهی نداشتند و ندارند.

گاهی شیطان برای آنها مثل می‌شد به آنها می‌گفت اگر می‌خواهید راحت شوید تصمیم بگیرید دست جمعی اینکه می‌گوید پیغمبر خداست بکشیدش و از شر آن خلاص شوید و آنها تصمیم گرفتند که این کار را بکنند ولی خدامکر مکاران را بخودشان بر می‌گرداند و آنها موفق نمی‌شدند که پیغمبر خدا

را بکشند. پیامبر الهی دوستان بشر هستند و اما بشر دشمنان خودشان را دوست دارند چون اینکه شیطان دنیا را برای آنها زینت می‌داد که در این دنیا اگر می‌خواهید راحت زندگی کنید حذر کنید از حقیقت و کلمات حق که از دهان انبیاء خداوند جاری می‌شود و نوع بشر گریزان است! چرا گریزان است خدا می‌داند چون اینکه شیطان برای آنها سخت جلوه می‌دهد که بموقع به نماز حاضر شوند و اطاعت پروردگار خود را کنند تا اینکه خداوند به فضل و کرمش هم دنیای شما را آباد کند و هم اینکه آخرت در جوار رحمت حق زندگی راحتی داشته باشید.

ولی اکثریت فراموش کرده‌اند که پروردگاری دارند و از مرگ هم فراموش می‌کنند که هر کسی در زمانی ممکن است در دنیا زندگی می‌کند آنگاه باید از این دنیا رخت بربندد و به سرای باقی بشتابد این است که در طول تاریخ بشریت هیچ گاه پیام آوران وحی موفق شدند که مردم را از خواب غفلت بیدار کنند چون اینکه اکثریت در خواب غفلت به سر می‌برند و وقتی از خواب بیدار می‌شوند که فرشته مرگ به سوی آنها می‌آید آنگاه دیگر راه نزی نیست و هر آنچه که فریاد بر آورند فریادرسی برای آنها نیست نه مال دنیا آنها را کمک می‌کند نه زن و فرزند و نه آنچه که برای او زحمت کشیده‌اند و اگر به مرگ مسمی بمیرد یک کفن بیشتر با خود همراه نمی‌برد و هر ظلمهائیکه بر خود کردند.

کسی که بخود ظلم کند بدیگران هم رحم نخواهد کرد، کسی که بتواند با دست و زبان خود انجام دهد، می‌دهد و هرگونه اجحافی که در توان او باشد بخود و دیگران می‌دهد تا اینکه بمرگ سیاه بمیرد و این پیغمبر خدا یعنی حضرت یوحنا(ع) هم همچون اسلاف بعد سال‌ها مبارزه با شرک و نفاق و کفار و ملحدین به فیض لقا الله نائل می‌شود و در بهشتی که خداوند به عدل او داده که به صالحین و مومنین می‌دهد آنها را در آن بهشت جای می‌دهد و آنها در حین راحتی و سلامتی از رزق کریمانه خداوند استفاده می‌کنند و با خود می‌گویند اگر بنده خداوند توفیق عمل به دستورات حکیمانه و کریمانه خداوند را می‌داشتند. آنها هم، هم اکنون در جوار رحمت حق غوطه ور می‌شدند و جهنم جایگاه کافران است.